

An Introduction to the Conceptual Map of the Intellectual Dimensions of Security Jurisprudence and the Role of Ontology in Its Illustration

Hossein Hassanzadeh¹

Received: 06/12/2023

Accepted: 09/02/2024



Abstract

The concept of security is very broad. According to one definition, security in the objective sense means the absence of threats to acquired values and in the subjective sense it means the absence of fear of attacks on values and this is the meaning of the concept mentioned in security jurisprudence. Jurisprudence, as a comprehensive science of dos and don'ts, is in charge of expressing God's ruling in all matters related to the actions of the obligees, including actions related to security. This article aims to discover and draw a conceptual map of ideological dimensions of security in jurisprudence. The question is, how can such a map be drawn that is consistent with the available jurisprudential sources? In order to achieve the mentioned goal, through the descriptive-analytical method and using the ontology method in information and knowledge studies, the concepts referring to the ideological dimensions of security have been extracted from jurisprudential sources and the relationships between the concepts have been established based on the criteria of the ontology. The

1. Assistant Professor, Islamic Sciences and Culture Research Institute, Qom, Iran.

h.hasanzadeh@isca.ac.ir

* Hassanzadeh, H. (1402 AP). An Introduction to the Conceptual Map of the Intellectual Dimensions of Security Jurisprudence and the Role of Ontology in Its. *Journal of Islamic Knowledge Management*, 5(9), pp. 11-42. [https://doi.org/ 10.22081/jikm.2024.68297.1095](https://doi.org/10.22081/jikm.2024.68297.1095)

finding of the research suggests that the concepts regarding the ideological dimensions of security in jurisprudence focuses on several concepts. These concepts according to the development and conceptual narrowness (general and specific) are "science", "belief", "faith", "certainty" and "doubt", in this article the geometry of these concepts and their relationships with other concepts in Jurisprudence is drawn.

Keywords

Security, security jurisprudence, ontology of security jurisprudence, conceptual map of security jurisprudence, security in jurisprudence.

مقدمة للأطلس المفاهيمي لأبعاد الفكرة لفقهاء الأمن ودور الأنطولوجيا في رسمه .

حسين حسن زاده^۱

تاريخ القبول: ۲۰۲۴/۰۲/۰۹

تاريخ الاستلام: ۲۰۲۳/۱۲/۰۶



الملخص

إن مفهوم الأمن مفهوم واسع؛ وبحسب أحد التعريفات فإن الأمن بالمعنى الموضوعي يعني غياب التهديد للقيم المكتسبة، وبالمعنى الذاتي يعني غياب القلق من الهجمة على القيم. والغرض من المفهوم المذكور في فقه الأمن هو نفس المعنى. والفقه، باعتباره علماً شاملاً للأوامر والنواهي، لديه مهمة التعبير عن حكم الله في جميع الأمور المتعلقة بأفعال المكلفين، بما في ذلك الأمن. ويهدف هذا المقال إلى اكتشاف ورسم أطلس مفاهيمي لأبعاد الفقه الأمني الفكرية. والسؤال هو كيف يمكن إعداد مثل هذا الأطلس المتوافق مع المصادر الفقهية الوافرة؟ ولتحقيق الهدف المذكور، وباستخدام المنهج الوصفي التحليلي واستخدام منهج الأنطولوجيا في علم المعلومات، ونظرية المعرفة، تم استخلاص المفاهيم التي تشير إلى الأبعاد الفكرية للأمن من المصادر الفقهية، وتم تحديد العلاقات بين المفاهيم والمعايير الأنطولوجية. ونتيجة البحث هي أن المفاهيم المتعلقة بالأبعاد الفكرية للأمن في الفقه تدور حول عدة مفاهيم؛ وهذه المفاهيم بحسب

۱. أستاذ مساعد، المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران. h.hasanzadeh@isca.ac.ir

* حسن زاده، حسين. (۲۰۲۳م). مقدمة للأطلس المفاهيمي لأبعاد الفكرة لفقهاء الأمن ودور الأنطولوجيا في رسمه. مجلة نصف سنوية ترويجية إدارة المعلومات الإسلامية ۵(۹)، صص ۱۱-۴۲.

<https://doi.org/10.22081/jikm.2024.68297.1095>

تطورها وتضيقها المفهومي (العامة والخاصة) هي: "العلم"، و"الاعتقاد"، و"الإيمان"، و"اليقين"، و"الشك"، والتي في هذا المقال تمّ تصوير هندسة هذه المفاهيم وارتباطاتها بالمفاهيم الأخرى في الفقه.

الكلمات الرئيسية

الأمن، فقه الأمن، أنطولوجيا فقه الأمن، الأطلس المفاهيمي لفقه الأمن، الأمن في الفقه.



مقدمه‌ای بر اطلس مفهومی ابعاد اندیشه‌ای فقه امنیت و نقش هستی‌شناسی در ترسیم آن

حسین حسن‌زاده^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۵

چکیده

مفهوم امنیت مفهومی پُر دامنه است؛ طبق یک تعریف، امنیت در معنای عینی یعنی، نبود تهدید نسبت به ارزش‌های کسب‌شده و در معنای ذهنی یعنی، نبود هراس از حمله به ارزش‌ها است. و مقصود از مفهوم ذکر شده در فقه امنیت همین معنا است. فقه نیز - به عنوان علم متکفل بایدها و نبایدها - وظیفه‌اش بیان حکم خدا در همه موضوعات مربوط به افعال مکلفان، از جمله در حوزه امنیت است. هدف این مقاله کشف و ترسیم اطلس مفهومی ابعاد اندیشه‌ای امنیت در فقه است. پرسش این است چگونه می‌توان چنین اطلسی را که منطبق با منابع فقهی موجود باشد ترسیم نمود؟ برای تحقق هدف مذکور و با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از روش هستی‌شناسی (آنتولوژی) در علم اطلاعات و دانش‌شناسی، مفاهیم ناظر به ابعاد اندیشه‌ای امنیت از منابع فقهی استخراج و روابط بین مفاهیم بر اساس ضوابط آنتولوژی ایجاد گردیده است. نتیجه تحقیق این است که مفاهیم ناظر به ابعاد اندیشه‌ای امنیت در فقه بر محور چند مفهوم می‌چرخند؛ این مفاهیم با توجه به توسعه و ضیق مفهومی (اعم و اخص) عبارتند از: «علم»، «اعتقاد»، «ایمان»، «یقین» و «شک» که در این مقاله هندسه این مفاهیم و ارتباطات آن‌ها با دیگر مفاهیم در فقه به تصویر کشیده شده است.

کلیدواژه‌ها

امنیت، فقه امنیت، هستی‌شناسی فقه امنیت، اطلس مفهومی فقه امنیت، امنیت در فقه.

h.hasanzadeh@isca.ac.ir

۱. استادیار، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

* حسن‌زاده، حسین. (۱۴۰۲). مقدمه‌ای بر اطلس مفهومی ابعاد اندیشه‌ای فقه امنیت و نقش هستی‌شناسی در ترسیم آن. دوفصلنامه علمی - ترویجی مدیریت دانش اسلامی، (۹) ۵، صص ۱۱-۴۲.

<https://doi.org/10.22081/jikm.2024.68297.1095>



مقدمه

تدوین اطلس مفهومی فقه امنیت، فوائد مهمی برای پژوهندگان در حوزه فقه امنیت دارد؛ مانند: تسهیل در آموزش و پژوهش و افزایش سرعت یادگیری در حوزه فقه امنیت، درک بهتری از مفاهیم دارای بار امنیتی در فقه و در نتیجه احاطه اجمالی به مفاهیم اساسی این حوزه، تشخیص مسائل اصلی از فرعی فقه امنیت، مرزبندی موضوعات مربوط به فقه امنیت با دیگر موضوعات فقهی، روشن کردن ذهن برای خلاقیت، ایده‌پردازی و تولید اندیشه پیرامون فقه امنیت و نمایش طرحی مناسب برای ذخیره و بازیابی اطلاعات در این موضوع.

علاوه بر این از یک جهت دیگر نیز ضرورت تدوین اطلس مفهومی فقه امنیت، احساس می‌شود و آن ارتباط تنگاتنگ «امنیت» با حاکمیت نظام دینی است. بدیهی است مبنای حاکمیت دینی، ارائه نظامی مبتنی بر بایدها و نبایدهای الهی است و تجلی این باید و نباید نیز در فقه است؛ بنابراین وجود اطلس مفهومی فقه امنیت، می‌تواند به‌عنوان یک نقشه راه توجه مسئولان به جنبه‌های دینی اطلاعات و امنیت را به خود جلب نماید.

با توجه به نکات فوق تدوین اطلس مفهومی فقه امنیت، ضروری به نظر می‌رسد. پرسش این است چگونه می‌توان چنین اطلسی را به‌طور عینی، دقیق، صریح و شفاف یعنی منطبق با منابع فقهی موجود باشد ترسیم نمود. مقاله حاضر که با روش توصیفی تحلیلی و با استفاد از روش هستی‌شناسی (آنتولوژی^۱) در علم اطلاعات و دانش‌شناسی نگاشته شده است در پی آن است که تا پرسش مذکور را پاسخ دهد به همین جهت مفاهیم ناظر به ابعاد اندیشه‌ای امنیت از منابع فقهی استخراج و روابط بین مفاهیم بر اساس ضوابط آنتولوژی ایجاد گردیده است. تردیدی نیست که مفاهیم گردآوری شده در این مقاله، همه مفاهیم ناظر به ابعاد اندیشه فقه امنیت نیست. قطعاً با تنوع بیشتر مفاهیم دیگری نیز وجود دارند که می‌توانند در اطلس مفهومی فقه امنیت

1. Ontology

جای گیرند؛ ولی باتوجه به محدودیت مقاله تلاش شده است حتی المقدور بخشی از آن‌ها جمع آوری شود.

۱. پیشینه

در باره اطلس مفهومی مبتنی بر هستی‌شناسی در برخی از موضوعات اسلامی، مقالاتی مانند: آنتولوژی بسمله، دریچه‌ای برای ایجاد هستی‌شناسی معارف قرآن (حسن‌زاده، ۱۴۰۰۸)؛ هندسه معنایی افترا بر خدا و نقش هستی‌شناسی در ترسیم آن (حسن‌زاده ۱۴۰۱)؛ نقش آنتولوژی فقه در موضوع‌شناسی فقهی (حسن‌زاده ۱۳۹۸)؛ نقش واژه‌های نمایه‌ای موضوعی در کشف بسامد مفاهیم امنیتی آثار پژوهشگرده علوم و اندیشه سیاسی بین سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۴۰۰ (مجیدی نظامی، ۱۴۰۱) نوشته شده است. اما با تبعی که انجام شده مقاله و نوشته‌ای در خصوص اطلس مفهومی ابعاد اندیشه‌ای فقه امنیت با ویژگی فوق‌الذکر پیدا نشده است و همین نیز از ویژگی‌های این مقاله است.

۲. تعاریف و اصطلاحات

۲-۱. فقه

از نظر معنای لغوی واژه «فقه» در زبان عربی به معنای مطلق فهم (ابن منظور ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۵۲۲؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۴۴۲) و علم ناشی از تأمل و اندیشه آمده است (عسگری، ۱۴۱۲ق، ص ۶۹).

فقه از نظر معنای اصطلاحی تطورات مختلفی داشته است که بدون تفکیک آنها، مقصود ما از فقه امنیت مشخص نمی‌شود. گاهی «فقه» گفته می‌شود و مقصود علم دین است که به خاطر سیادت، شرف و برتری بر سایر علوم به آن اطلاق شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۵۲۲) و گاه کاربرد آن در علم شریعت است و عرف همین معنا را اراده می‌کند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۵۲۲). بر اساس همین معنا به عالم به حلال و حرام، فقیه گفته می‌شود (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۴۴۲). اما در اصطلاح فقیهان، فقه عبارت است از علم به احکام شرعی فرعی از طریق ادله تفصیلی (صاحب معالم، ۱۴۱۵ق، ص ۲۶؛ شیخ طوسی،

۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۱؛ عاملی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۰۸؛ محقق حلی، ۱۴۰۳، ص ۱۷۷). واژه فقه، به مجموعه گزاره‌های شرعی که با ادله تفصیلی و مستند به منابع فقه (کتاب، سنت، عقل و اجماع) به دست آمده است نیز اطلاق می‌شود (علیدوست، ۱۳۹۴) و مقصود ما از فقه در مقاله حاضر همین اطلاق اخیر است. در حقیقت این مقاله در پی استنباط احکام فقه امنیت با ادله تفصیلی نیست؛ بلکه در پی کشف مفاهیم حاکی از موضوع یا محمول گزاره‌ای فقهی و ترسیم دقیق ارتباط آن مفاهیم با مسئله امنیت در منابع فقه است.

۲-۲. هستی‌شناسی

کلیدواژه هستی‌شناسی، کاربردهای مختلفی دارد که یکی از آن‌ها در علم اطلاعات و دانش‌شناسی است و مقصود ما از کلمه مذکور همین کاربرد است؛ نه معنای دقیق فلسفی آن. این کاربرد از آغاز دهه ۱۹۹۰ از فلسفه وارد هوش مصنوعی شد و در حوزه‌های مختلف هوش مصنوعی از قبیل: مهندسی نرم‌افزار، پایگاه‌های داده و وب معنایی مورد مطالعه قرار گرفت.

برای این کلمه تعریف‌های متعددی مطرح شده است که به نظر می‌رسد همه آن‌ها در این تعریف مد نظر قرار گرفته و آن عبارت است از: «مجموعه مفاهیم در یک حوزه خاص به همراه روابط دقیق، صریح، عینی و گویا میان آن مفاهیم» (حسن‌زاده، ۱۳۹۷). مقصود از «گویایی رابطه بین مفاهیم» کاهش ابهام مفهومی و وجود روابط معنایی روشن و دقیق میان مفاهیم یک علم است (ر.ک: بهشتی، ۱۳۹۳). وجود روابط معنایی دقیق در هستی‌شناسی‌ها برای بهبود و تقویت سیستم‌های بازیابی و فرایندهای خودکار استدلال ماشینی و همچنین وب معنایی بسیار مهم و لازم است (ر.ک: بهشتی، ۱۳۹۳). رویکرد حاکم بر طراحی و توسعه هستی‌شناسی‌ها بر آن است تا به جای ساختار ایستای اصطلاح‌نامه‌ها که عمدتاً مبتنی بر روابط سلسله‌مراتبی میان مفاهیم است، ساختاری پویا و چندوجهی به دست دهد و میان مفاهیم، روابطی غیرخطی و شبکه‌ای برقرار سازد؛ همچنین این رویکرد به دنبال آن است که بازنمون دانش را هرچه بیشتر از زبان مصنوعی منفک کند و به زبان طبیعی و واقعی نزدیک سازد؛ از این جهت هستی‌شناسی‌ها نسبت به

اصطلاحنامه‌ها می‌توانند منطقاً بازنمون کارآمدتری و رضایت‌بخش‌تری از دانش ارائه دهند (ر.ک: فتاحی و ریسمانباف، ۱۳۹۵، ص ۴۱۷).

در هستی‌شناسی‌ها، هر اصطلاح یا کلیدواژه‌ای به‌عنوان یک «موجودیت» در نظر گرفته می‌شود. «موجودیت» یعنی چیزی که وجود دارد؛ البته باید به این نکته توجه شود که «موجودیت‌ها» در هستی‌شناسی‌ها (آنتولوژی) منحصر در موجودیت فیزیکی نیست؛ مهم، فرض و اعتبار «موجودیت» است؛ بنابر این شامل هر مفهومی اعم از مفاهیم انتزاعی (مفاهیم اعتباری یا معقولات ثانیه)، مفاهیم واقعی (معقولات اولیه)، مفاهیم فیزیکی یا غیرفیزیکی می‌شود. و هر یک از این موجودیت‌ها به مثابه اجزای یک پیکره هستند که اگر در جایگاه واقعی خود قرار گیرند، شکل و تصویر آن پیکره نیز موزون و متوازن خواهد بود.

تشکیل هستی‌شناسی‌ها بدون تعیین دقیق محدوده موضوعی که بنا است برایش آنتولوژی تدوین شود، عملاً بسیار دشوار است و این مسئله به‌عنوان «اصل و قاعده» در هر هستی‌شناسی است (<https://protege.ir>). با توجه به این نکته، اجزای اصلی هستی‌شناسی‌ها به شرح زیر است:

۲-۱-۲. کلاس‌ها

مقصود از واژه «کلاس‌ها» که در هستی‌شناسی از آن تعبیر به «مفاهیم» می‌شود، طبقه اول اصطلاحات موجود در یک حوزه علمی یا موضوعی هستند که دارای ویژگی‌های مشابهی می‌باشند. مقصود از ویژگی‌های مشابه، اموری است که:

۱. توجیه‌کننده اندراج زیر کلاس‌ها (نمونه‌ها) تحت یک کلاس می‌باشند که شامل مفاهیم دارای اشتراک معنوی و هر نوع رابطه عینی یک زیر کلاس با کلاس (مفهوم) مذکور است (شریف، ۱۳۸۷).

۲. اعضا و زیر کلاس‌ها که «نمونه» نامیده می‌شود.

۳. روابط که به آن «خصیصه» می‌گویند. این روابط ممکن است اعم، اخص یا هر نوع رابطه‌ای را شامل شود و از این جهت هیچ محدودیتی ندارد.

امنیت

واژه امنیت که ریشه عربی دارد در زبان فارسی به معنای: بی‌خوفی، امن، بی‌بیمی، ایمنی، ایمن شدن و در امان بودن است (دهخدا، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۲۸۹۴) و ریشه آن در زبان عربی در دو معنا به کار رفته است: ۱. امانت، که ضد خیانت و به معنای سکون قلب است؛ ۲. به معنای تصدیق و این دو معنا نزدیک به هم هستند (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۳۴).

مفهوم امنیت مفهومی پر دامنه است معنای حداقلی آن عبارت از نبود تهدید یا رهایی از آن است (پورسعید، ۱۳۹۲، ص ۲۳). این معنا ناظر به بُعد سلبی رویکردی است که امنیت را مبتنی بر رهایی یعنی عدالت و تأمین حقوق بشر می‌داند. بر اساس این رویکرد امنیت نه یک کالا، بلکه رابطه میان بازیگران مختلف شناخته می‌شود (پل دی، ۱۳۹۰، ص ۴۰). با این حال عده‌ای برای امنیت تعاریفی ذکر کرده‌اند؛ مانند: «امنیت یعنی رهایی از جنگ همراه با انتظارات زیاد»، «امنیت یعنی تضمین رفاه آتی»، «امنیت یعنی رهایی نسبی از تهدیدات زیانبخش» (پورسعید، ۱۳۹۲، ص ۲۳). «امنیت در معنای عینی یعنی فقدان تهدید نسبت به ارزش‌های کسب‌شده و در معنای ذهنی یعنی فقدان هراس از حمله به ارزش‌ها» (پورسعید، ۱۳۹۲، ص ۲۴). پژوهندگان در رشته روابط بین‌الملل معتقدند امنیت حول کاستن از تهدیدهایی دور می‌زند که ارزش‌های گران‌قدر را هدف گرفته‌اند (پل دی، ۱۳۹۰، ص ۳۳). طبق یک رویکرد نیز امنیت مترادف با انباشت قدرت مانند دارایی، پول، سلاح، ارتش و... است. بر اساس این رویکرد هر چه قدرت به ویژه قدرت نظامی بیشتر باشد امنیت بیشتری نیز حاصل می‌شود (پل دی، ۱۳۹۰، ص ۴۰). امنیت در اصطلاح سیاسی عبارت است از حالت فراغت از هرگونه تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله. (آشوری، ۱۳۸۲، ص ۳۹).

این گونه بررسی‌های مفهومی اگر چه لازم است، ولی کافی نیست. مفهوم امنیت می‌تواند به تعداد نفوس بشری، معنا شود؛ زیرا هر انسانی با توجه به ارزش‌هایی که پذیرفته و به معنای دقیق کلمه چیزهایی که جزء خط قرمزهای اوست، امنیت را تعریف می‌کند؛ لذا برخی گفته‌اند مقوله امنیت بسان مقوله زیبایی است یعنی اصطلاحی ذهنی و کشدار است که دقیقاً همان معنایی را می‌دهد که شخص به کاربرنده آن برایش قائل است؛ به همین

جهت گفته شده: امنیت مفهومی است که در گوهر آن مناقشه است (پل دی، ۱۳۹۰، ص ۳۳). تبیین محدوده معنایی «امنیت» شرط لازم برای کشف مفاهیم مرتبط با آن و ترسیم دقیق ارتباطات آن‌ها با امنیت در فقه است. صرف نظر از این که آیا شناخت موضوع - که در حقیقت به منزله علت حکم در فقه است (جناتی، ۱۳۷۲، ص ۴۶۲) - بر عهده فقیه است یا نه و صرف نظر از تفاوت‌هایی که در همین باره در بین صاحب نظران وجود دارد، آنچه که باید مورد توجه قرار گیرد این است که تا محدوده یک موضوع به طور دقیق برای فقیه مشخص نشود به طبع حکم آن موضوع و همچنین شناخت موضوعات مرتبط با آن هم نیز قابل تأمل است.

امنیت در اندیشه

در باره «ابعاد اندیشه‌ای فقه امنیت» ممکن است این پرسش مطرح شود که جایگاه اندیشه، در ذهن است و به ظاهر ربطی به موضوع فقه - که فعل مکلف است - ندارد؛ بنابراین عنوان مذکور نیاز به تبیین دارد. توضیح این که افعال مکلف به دو قسم افعال جوانحی و جوارحی تقسیم می‌شود و در فقه نیز در باره هر دو قسم آن بحث شده است؛ هر چند بیشتر موضوعات و مسائل فقهی در باره افعال جوارحی است، اما مسائل مربوط به افعال جوانحی (افعال قلوب) نیز قابل توجه است. افعال جوانحی، برخلاف افعال جوارحی که با ابزارها و اندام‌های ظاهری مثل دست، پا و زبان انجام می‌شود، با اندام‌های درونی و قلبی انجام می‌شود مانند: قصد، نیت، شرک، کفر، اعتقاد، ایمان، اسلام، علم، یقین، ظن، شک و...

نقطه اشتراک افعال مذکور این است که همه آن‌ها از جنس ادراک هستند و ظرف ادراک نیز ذهن است. به همین جهت به آن دسته از موضوعات فقه امنیت که ناظر به افعال جوانحی می‌باشد تعبیر به موضوعات اندیشه‌ای فقه امنیت شده است.

انسان به مثابه موضوع امنیت (امنیت برای چه کسی)

به نظر می‌رسد برای فهم دقیق محدوده معنایی «امنیت» می‌باید موضوع امنیت (امنیت

برای چه کسی و چه چیزی) مشخص شود. اگر انسان، موضوع امنیت است که بر طبق قاعده همین نیز منظور نظر پژوهندگان است؛ به طبع باید مقصود از آن معلوم باشد. بدیهی است دیدگاه افراد نسبت به ماهیت انسان، یکسان نیست؛ معنای این سخن این است که هر دیدگاهی در باره انسان، در تلقی ما به حقیقت امنیت تأثیر می‌گذارد. بنابر این قبل از اتخاذ موضع در باره امنیت، باید مقصود ما از «انسان» مشخص شود.

نگارنده، بر اساس دو پیش فرض - «کنه انسان را فقط خالق و پدید آورنده‌اش می‌داند» و «قرآن کریم تنها کتاب خالق یکتاست که از دستبرد بشر مصون مانده است» - معتقد است برای تبیین حقیقت انسان باید به قرآن مراجعه کرد. و مهمترین ویژگی انسان طبق تصریح قرآن، کرامت است «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء، ۷۰). «کرامت»، واژه عربی مبین است و معادل فارسی ندارد کریم غیر از سخی، جواد، کبیر و عظیم است (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ج ۴۹، ص ۴۹۸) و این ویژگی منحصر در انبیا، اولیا و امثال آنها نیست، بلکه ناظر به خود حقیقت انسان است؛ یعنی هویت انسان گوهری گرانمایه است و مایه کرامت و پایه برتری او، اضافه تشریفی روح وی به خداست (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ج ۴۹، ص ۴۹۵) و تکریم، یعنی عنایت ویژه و شرافت دادن به چیزی که در دیگران نیست و با تفصیل که معنای اضافی دارد متفاوت است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۳، ص ۱۵۵)؛ بنابراین انسان دارای شرافتی است که در دیگر مخلوقات وجود ندارد. و علت کریم بودن انسان به استناد شأنیت و صلاحیت خلافت اوست. البته خلافت همانند نبوت و رسالت دارای مراتب مختلف است و بخش ضعیفی از خلیفه الهی انسان در زمینه آباد کردن زمین است که بهره مؤمن معمولی است (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ج ۴۹، ص ۵۰۳).

با توجه به مطلب فوق و نیز معنای حداقلی امنیت (نبود تهدید یا رهایی از آن)، مقصود ما از امنیت، فقدان یا رهایی از هر تهدیدی است که کرامت انسان را به خطر می‌اندازد. از سویی نیز تنها خالق انسان، عالم به این خطرات و تهدیدات است و لذا هر آن چیزی که در تأمین امنیت و حفظ کرامت انسانی نقش دارند و همچنین اموری که این ویژگی بارز انسان را به خطر می‌اندازد در قالب بایدها و نبایدهای دینی بیان کرده

است. کلیات این بایدها و نبایدها در قرآن و جزئیات آن توسط رسول الله ﷺ و جانشینان بر حقیق در قالب احکام دینی آمده و فقیهان اسلامی نیز در متون فقهی آن‌ها را به تفصیل بیان کرده‌اند.

به نظر می‌رسد مجموع بایدها (تأمین‌کننده‌ها) و نبایدها (تهدیدکننده‌های) کرامت انسان در متون فقهی را می‌توان به سه دسته کلی تأمین‌کننده‌ها و تهدیدکننده‌های امنیت در اندیشه، اخلاق و رفتار تقسیم کرد.

در این مقاله تنها بخش اول، یعنی بایدها و نبایدهای فقهی که سبب تأمین و تهدید امنیت در اندیشه می‌گردد بررسی می‌شود.

اطلس مفهومی ابعاد اندیشه‌ای فقه امنیت

ترسیم هندسه مفهومی یک موضوع بر اساس هستی‌شناسی، متوقف بر شناخت دقیق کلاس‌ها و نمونه‌ها و ارتباطات عینی، دقیق، صریح و شفاف میان نمونه‌ها با کلاس‌ها است و با توجه به این که موضوع مقاله حاضر، اطلس مفهومی ابعاد اندیشه‌ای فقه امنیت به‌عنوان یکی از مباحث در زمینه فقه امنیت است، به طبع کلاس‌های آن با کلاس‌های فقه امنیت متفاوت خواهد بود. این «کلاس‌ها» و نمونه‌ها و ارتباطات میان آن‌ها با توجه به لحاظ تأمین و تهدید امنیت، به شرح زیر است:

۱. علم

واژه «علم»، در لغت به معنای قطع، اتقان و یقین و در اصطلاح به معنای حصول صورت چیزی در ذهن است (جمعی از محققان، ۱۴۰۴ق، ج ۳۰، ص ۲۹۰). ولی کاربرد آن در فقه گاهی به معنای آگاهی مقرون به جزم که از آن به «قطع» و «یقین» تعبیر می‌شود (انصاری، ۱۴۲۹ق، ج ۴، ص ۱۴۹) و گاهی به معنای دانش است مثل علم اصول دین، علم سحر و موسیقی و شعبده (جمعی از محققان، ۱۳۸۲، ج ۵، صص ۴۶۳-۴۶۴).

به‌طور اساس علم، چه معنای اول و چه به معنای دوم یک فرصت است؛ یعنی اگر به خوبی از آن استفاده شود به نوعی موجب تأمین امنیت و از مصادیق تأمین‌کننده‌های

امنیت است؛ و در صورتی که از آن استفاده نشود و یا استفاده نابجا شود به نوعی امنیت انسان را به خطر می‌اندازد و از این جهت در زمره تهدیدکننده‌های امنیت قرار می‌گیرد.

با توجه به مطلب فوق، کاربردهای علم در دو بخش بررسی می‌شود:

۱-۱. علم (قطع و یقین)

علم، به معنای اول یعنی قطع و یقین در فقه، کاربردهای فراوانی دارد. برخی از آن‌ها به لحاظ تأمین و تهدید امنیت به شرح زیر است:

۱-۱-۱. علم (قطع و یقین) و تأمین امنیت

- علم به صفات قاضی که یکی از مثبتات صفات قاضی است و می‌توان بر اساس آن فردی را به عنوان قاضی منصوب نمود (امام خمینی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۴۰۷).
- علم در مسابقه تیراندازی که از شرایط مسابقه است و در آن، علم به چند چیز شرط است که عبارتند از علم به تعداد تیر، (شهید ثانی، ۱۳۸۶ق، ج ۴، ص ۴۲۸). علم به تعداد اصابت، علم به صفت اصابت، علم به اندازه اصابت و علم به هدف تیر (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ص ۹۶).
- علم و اطمینان به عدالت امام جمعه. طبق نظر بعضی از فقها عدالت امام جمعه علاوه بر اثبات آن از طریق بینه و شیع موجب اطمینان، با وثوق و اطمینان به هر شکلی که باشد نیز ثابت می‌شود (امام خمینی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۲۷۵).
- تمییز که در دو معنا کاربرد دارد یکی به معنای جدا کردن خون حیض از استحاضه از راه اوصاف هر یک و دیگر به معنای قوه تشخیص نیکی از بدی و زیبایی از زشتی؛ (جمعی از محققان، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۶۳۷). و مقصود ما همین معنای اخیر است که برخی از مسائل آن می‌تواند در زمره فقه امنیت قرار گیرد؛ مانند: تمییز ذمی از مسلمان؛ به این معنا که امام (حاکم اسلامی) باید در عقد ذمه شرط کند حضور اهل ذمه در جامعه اسلامی باید به گونه‌ای باشد که امکان تشخیص آن‌ها با

- مسلمانان وجود داشته باشد، مثلاً شرط کند در نوع لباس، مو، سواری و القاب، با مسلمانان تفاوت داشته باشند (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۳۲۱).
- علم به معروف و منکر که از شرایط امر به معروف و نهی از منکر است (محقق کرکی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۴۸۶).
- علم حاکم و والی به قانون الهی که از شرایط حاکم اسلامی است (امام خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۴۶۴).
- علم حاکم جهاد که از شرایط حاکم جهاد است. حاکم جهاد باید به مصالح حال و آینده و نیز به احکام شرعی، علم داشته باشد تا حکم او مخالف شرع نباشد (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۲۱، ص ۱۱۲).
- علم قاضی، اینکه آیا علم قاضی می‌تواند مستند حکم قاضی باشد یا نه مسئله اختلافی است (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۴، ص ۴۰۲).
- علم به حرمت زنا که از شرایط اجرای حد زنا است (مقدس اردبیلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۳، ص ۶). بنابر این کسی که جاهل به حرمت زنا است حد جاری نمی‌شود (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۲۷، ص ۲۳۴).
- علم به سفاهت که از مثبتات سفاهت است و بدین جهت احکام سفیه بر آن مترتب خواهد شد (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۲۱، ص ۱۵۲).
- احراز، به معنای علم پیدا کردن است (جمعی از محققان، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۷۴) که برخی از مسائل آن مانند احراز عدالت امام جمعه در این بخش قرار می‌گیرند.

۱-۲-۱. علم (قطع و یقین) و تهدید امنیت

- علم وسواسی که در طهارت و نجاست او اعتباری ندارد (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۴۲۸).

۱-۲. علم (دانش)

- فقیهان اسلامی علم به معنای دانش را به لحاظ وجوب عینی یا کفایی و استحباب و حرمت آموزش و یادگیری به چهار قسم تقسیم کرده‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۳۶؛ بحرانی،

۱۴۰۵ق، ج ۱۸، ص ۱۴). مصادیق این چهار قسم به لحاظ تأمین و تهدید امنیت به شرح ذیل است:

۲-۱-۱. علم (دانش) و تأمین امنیت

یک: علمی که فراگیری آن واجب عینی است؛ مانند:

- علم به اثبات صانع تعالی و صفاتش و آن چیزی که بر او واجب یا ممتنع است

(علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۳۶). مقصود از واجب بودن بر خداوند تعالی، وجوب عن

الله است نه وجوب علی الله.

- علم به نبوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و ثبوت عصمت آن حضرت (علامه حلی، ۱۴۱۴ق،

ج ۹، ص ۳۶).

- علم به امامت کسانی که امامشان بر ما واجب است و آن چیزهایی که بر آنها

واجب یا ممتنع است (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۳۶).

- علم معاد (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۳۶).

علم کلام متکفل موارد فوق است؛ البته شافعیه معتقدند علم کلام واجب عینی نیست

(علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۳۶).

دو: علمی که فراگیری آنها واجب کفایی است؛ مانند:

- علم فقه و فروع احکام آن؛

- علم اصول فقه و کیفیت استدلال و براهین آن؛

- علم نحو، لغت و تصریف؛

- تخصص در علم کلام به گونه ای که قادر باشد شبهات ملحدان را جواب داده و

عقاید فاسدشان را رد کند؛

- علم حدیث و رجال؛

علم طب و حساب (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۳۶).

سه: علمی که فراگیری آن مستحب است؛ و آن عبارت است از مازاد بر واجب

کفایی در هر علم است. مانند:

- علم هیئت که نه تنها حرام نیست که چه بسا مستحب هم باشد زیرا این علم سبب

می‌شود تا انسان به حکمت خداوند و عظمت قدرتش اطلاع حاصل کند (شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۱۶۵).

۲-۱-۲. علم (دانش) به لحاظ تهدید امنیت

هر علمی که فراگیری آن حرام است به نوعی موجب تهدید امنیت می‌شود؛ مانند:
- علم موسیقی اگر مشتمل بر وجه قبیح باشد حرام است (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۳۷).

- علم قیافه (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۳۷). که در منابع فقهی با تعبیر «قیافه» آمده به معنای کشف حالات نفسانی یک شخص از طریق ظواهر بدن و کشف نسب او از طریق مذکور است (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۶، ص ۱۴۵؛ نجفی، ۱۳۶۷، ج ۲۲، ص ۹۲) و تعلیم و تعلم قیافه‌شناسی با جزم به مقتضای آن و نیز ترتیب آثار حرام بر آن حرام است اما بدون جزم به مقتضای آن و نیز عدم ترتیب آثار حرام بر آن حرام نیست (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۲۲، ص ۹۲). در باره «اجرت قافی» یعنی اجرتی که قیافه‌شناسی می‌گیرد اختلاف نظر است برخی آن را حرام و از مصادیق «اکل سحت» دانسته‌اند. (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۶، صص ۱۴۵-۱۴۷)؛ همچنین استفاده از این علم به عنوان یک منبع درآمد چه با الحاق نسب و چه بدون آن در صورت ترتب آثار حرام بر آن حرام است (شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۱۶۵).

- علم کهنات (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۳۷). که به معنای خبر دادن از آینده بوده (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۲۲، ص ۸۹) و تعلیم، تعلم، استعمال و گرفتن اجرت برای کهنات، حرام است (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۲۲، ص ۹۰).

- علم جفر که از آن به علم تکثیر نیز تعبیر می‌کنند، علمی است که در آن از اقسام و خواص حروف و چگونگی تأثیر آنها، بحث می‌شود. از احکام آن به مناسبت در باب تجارت و شهادت سخن گفته‌اند. بنابر تصریح برخی، فراگیری علم جفر جایز است؛ لیکن برخی پیشگویی جزمی و حتمی از طریق جفر و مانند آن را حرام دانسته‌اند. علم هر کس برای خود او حجت است، هر چند از راه غیر متعارف

همچون جفر به دست آید؛ لیکن بنا بر تصریح برخی، شهادت و نیز قضاوت بر اساس آن جایز نیست. چنان که تقلید از کسی که به احکام شرع از راهی جز ادله اجتهاد (کتاب، سنت، اجماع و عقل)، مانند جفر دست یافته، جایز نیست (جمعی از محققان، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۹۷).

علم نجوم به معنای آگاهی از اوضاع فلکیه مبتنی بر سیر کواکب، فی نفسه اشکالی ندارد و خبر دادن بر اساس این علم چه از روی جزم و چه از روی ظن، جایز بوده و از مصادیق تنجیم حرام نیست؛ مانند خبر دادن از حایل شدن زمین بین خورشید و ماه که به آن خسوف می‌گویند (شیخ انصاری، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۲۰۱). اما اگر خبر دادن به معنای اعتقاد به تأثیر کواکب در خیر و شر و نفع و ضرر و یا حکم قطعی در این باره باشد، حرام است (شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۱۶۵؛ شیخ انصاری، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۲۰۱؛ نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۴، ص ۱۲۴) و این دیدگاه برخی از فقهای شیعه است بعضی هم این حکم را به همه فقها استناد داده‌اند (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۴، ص ۱۱۸).

علم سحر (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۳۷) برای «سحر» تعاریف متعددی ارائه شده است؛ و مقصود ما از سحر، نوعی آگاهی است که به کار بستن آن، موجب پیدایی ملکه‌ای نفسانی در فرد شده، او را بر ایجاد کارهای شگفت با اسباب ناپیدا توانا می‌سازد. طبق این تعریف، منشأ سحر قوت نفس ساحر است و او در پرتو توانایی نفس خود، بدون آنکه از بیرون کمک بگیرد کارهای خارق‌العاده انجام می‌دهد (جمعی از محققان، ۱۳۸۲، ج ۴، ص ۴۱۴) و آموختن آن به منظور به کار بستن و نیز دریافت اجرت در ازای یاد دادن آن حرام و باطل است؛ لیکن به تصریح برخی، آموختن سحر به انگیزه دانستن و نه عمل کردن و یا به کار بستن آن هنگام ضرورت، جایز است (جمعی از محققان، ۱۳۸۲، ج ۴، ص ۴۱۵).

۲. اعتقاد

اعتقاد، از امور قلبی و از سنخ ادراک است که اکراه و اجبار در آن راه ندارد (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۳۴۳). با توجه به مطلب فوق، «اعتقاد» نوعی علم و از این جهت

زیر مجموعه علم است؛ بنابراین این در هستی‌شناسی ابعاد اندیشه‌ای فقه امنیت به‌عنوان نمونه و زیر کلاس علم قرار می‌گیرد و خود نیز زیر کلاس‌های متعددی در فقه امنیت دارد که در ادامه بررسی می‌شود. اما قبل از بررسی کلاس‌های اعتقاد در فقه امنیت، توجه به چند نکته لازم به نظر می‌رسد:

نکته اول: در متون فقهی، کلمه اعتقاد، سه کاربرد دارد و هر سه مورد آن در ارتباط با ادراک یعنی اندیشه است که عبارتند از:

۱. تدین که بیشترین استعمال آن مربوط به اصول دین مانند توحید، نبوت و ملحقات آن است که از آن به «عقیده» تعبیر می‌شود (انصاری، ۱۴۲۹ق، ج ۴، ص ۱۴۹).

۲. علم مقرون به جزم که از آن به «قطع» و «یقین» تعبیر می‌شود (انصاری، ۱۴۲۹ق، ج ۴، ص ۱۴۹).

۳. علم به معنای عام (شامل «قطع» و «ظن غالب») که از آن تعبیر به «اطمینان» می‌شود (انصاری، ۱۴۲۹ق، ج ۴، ص ۱۴۹).

مقصود از «اعتقاد» در این بخش، مورد اول است، که برخی از احکام فقهی را به خود اختصاص داده است مانند:

– جواز یا عدم جواز کفایت ظن در امور اعتقادی که در این مسئله شش قول وجود دارد (انصاری، ۱۴۲۹ق، ج ۴، ص ۱۵۰).

– آنچه که بر مکلف واجب است نسبت به آن اعتقاد و تدین داشته باشد که در این صورت تحصیل علم برای حصول آن اعتقادات بر او واجب می‌شود؛ مانند اعتقاد به توحید، نبوت، امامت و معاد (انصاری، ۱۴۲۹ق، ج ۴، ص ۱۵۰).

– اموری که اعتقاد و تدین به آن اولاً و بالذات واجب نیست اما اگر به هر طریقی نسبت به آن آگاه شود اعتقاد و تدین به آن نیز واجب می‌شود؛ مثل تفصیل مربوط به توحید و معاد (انصاری، ۱۴۲۹ق، ج ۴، ص ۱۵۱).

– اعتقاد به حلیت آن چیزهایی که حرام است و بالعکس یعنی اعتقاد به حرمت چیزهای که در واقع حلال می‌باشند. این دسته از اعتقادات در زمره اعتقادات فاسد جای می‌گیرند (انصاری، ۱۴۲۹ق، ج ۴، ص ۱۵۳).

– آن احکامی که بر اعتقادات فاسد مترتب می‌شود؛ مانند: عقوبت، ضمان، قضا و کفاره. عقوبت هم به دو قسم عقوبت اخروی و دنیوی تقسیم می‌شود و از مصادیق عقوبت دنیوی مسئله ارتداد، است که احکام متعددی بر آن مترتب است (انصاری، ۱۴۲۹ق، ج ۴، صص ۱۵۳-۱۵۴).

نکته دوم: با نگاه امنیتی به مسائل فقه، مسئله اعتقاد، یک فرصت است؛ یعنی اگر اعتقاد فرد و جامعه، به حق باشد چنین اعتقادی سبب تأمین امنیت فرد و جامعه می‌شود و اگر به امر باطل و فاسدی اعتقاد داشته باشند چنین اعتقاداتی موجب تهدید امنیت می‌شود.

نکته سوم: وجوب فقهی با وجوب کلامی متفاوت است. طرف مقابل وجوب فقهی، حرمت است و سه طرف دارد: یک: آمر (دستوردهنده)؛ دو: مأمور (کسی که باید وظیفه را انجام دهد)؛ سه: مأمور به (کاری که باید انجام شود). اما وجوب کلامی به معنای قطعی و حتمی بودن تحقق کار است (سجادی، ۱۳۷۵، ص ۸۰۷). که دو طرف دارد یکی «فاعل» و دیگری «فعل» و طرف مقابل آن محال بودن است.

لذا اگر فقهی واژه وجوب را در متون فقهی استعمال کند ولو این که مربوط به مباحث اعتقادی باشد؛ مقصود همان وجوب فقهی است؛ مانند استعمال وجوب توسط شیخ صدوق در کتاب الهدایه درباره مسائل اعتقادی. با توجه به نکات فوق، مسائل مفهومی اعتقادات در ابعاد اندیشه‌ای فقه امنیت را از جهت تأمین و تهدید امنیت بررسی می‌کنیم:

۱-۲. اعتقادات تأمین کننده امنیت

۱-۱-۲. اعتقادات مرتبط با خداوند سبحان و افعال او

برخی از مسائل فقهی مربوط به اعتقاد در ارتباط با خداوند و افعال است که طبعاً مقصود، وجوب اعتقاد به این مسائل است؛ مانند:

– اعتقاد به توحید (شیخ صدوق، ۱۴۱۸ق، صص ۴ و ۲۱).

– اعتقاد به این همانی رضای الهی با ثواب الهی (شیخ صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۱۶).

- اعتقاد به این همانی غضب با عقاب الهی (شیخ صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۱۶).
- اعتقاد به عدم تفویض امور به بندگان (شیخ صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۱۷).
- اعتقاد به عدم مجبور بودن بندگان در معصیت‌ها (شیخ صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۱۷).
- اعتقاد به عدم تکلیف مافوق طاقت (شیخ صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۱۸).
- اعتقاد به مجوس بودن قدریه (شیخ صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۲۰).

۲-۱-۲. اعتقاد به نبوت

واجبات اعتقادی در باره نبوت را می‌توان به دو قسم تقسیم کرد:

الف: اعتقادات مربوط به نبوت عامه، شامل:

- اعتقاد به حقانیت نبوت (شیخ صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۲۱).
- اعتقاد به انبیای سابق (انصاری، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۲۶۳).
- اعتقاد به بعثت الهی صدو بیست و چهار هزار پیامبر (شیخ صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۲۱).
- اعتقاد به تساوی قول انبیا با قول الهی (شیخ صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۲۲).
- اعتقاد به تساوی دستورات انبیا با امر الهی (شیخ صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۲۲).
- اعتقاد به تساوی طاعت از انبیا با طاعت الهی (شیخ صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۲۲).
- اعتقاد به تساوی معصیت و سرپیچی از انبیا با معصیت الهی (شیخ صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۲۲).
- اعتقاد به انبیای پنجگانه صاحب شرایع (شیخ صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۲۲).
- اعتقاد به عدم پذیرش عمل بدون اقرار به همه انبیا (شیخ صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۲۸).
- اعتقاد به عدم پذیرش عمل بدون اقرار به رسالت همه رسولان (شیخ صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۲۸).

- اعتقاد به کتب انبیای سابق (انصاری، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۲۶۳).

- اعتقاد به عدم پذیرش عمل بدون اقرار به همه کتاب‌های انبیا (شیخ صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۲۸).

ب: اعتقادات مربوط به نبوت حضرت محمد ﷺ

- اعتقاد به رسالت پیامبر ﷺ (شیخ صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۲۳).
- اعتقاد به افضلیت محمد ﷺ در میان مخلوقات (شیخ صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۲۳).

- اعتقاد به «تساوی منکر نبوت با منکر توحید» (شیخ صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۲۷).
- اعتقاد به عدم پذیرش عمل بدون اقرار تفصیلی به نبی اسلام ﷺ (شیخ صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۲۸).
- اعتقاد با سیادت پیامبر اکرم ﷺ نسبت به سایر انبیا (شیخ صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۲۳).
- اعتقاد به رستگاری مؤمنان تبعیت کننده قرآن و یاری کننده پیامبر اکرم ﷺ (شیخ صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۲۳).
- اعتقاد به خلقت جمیع خلائق برای پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام (شیخ صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۲۵).
- اعتقاد به تساوی انکار نبوت حضرت محمد ﷺ با انکار توحید (شیخ صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۲۷).

۲-۱-۳. اعتقاد به امامت

- واجبات اعتقادی در باره امامت، به شرح زیر است:
- اعتقاد به امامت معصوم علیه السلام (شیخ مفید، ۱۴۱۰ق، ص ۳۲؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۲۵).
- اعتقاد به حقانیت امامت (شیخ صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۲۵).
- اعتقاد به جعل امامت و نصب، اقامه و انتخاب امام توسط خداوند تعالی (شیخ صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۲۶).
- اعتقاد به افضلیت ائمه علیهم السلام بعد از پیامبر ﷺ در میان مخلوقات الهی (شیخ صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۲۳).
- اعتقاد به ائمه علیهم السلام به عنوان محبوب ترین و گرامی ترین مخلوق الهی (شیخ صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۲۳).
- اعتقاد به ولایت ائمه علیهم السلام (شیخ صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۲۶).
- اعتقاد به لزوم اطاعت از امام علیه السلام در جمیع امور لازم الاتباع از پیامبر ﷺ (شیخ صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۲۷).
- اعتقاد به «تساوی منکر امامت با منکر نبوت» (شیخ صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۲۷).
- اعتقاد به عدم پذیرش عمل بدون اقرار تفصیلی به ائمه علیهم السلام (شیخ صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۲۸).

- اعتقاد به انحصار نجات در تبعیت از ائمه علیهم‌السلام و گمراهی و هلاکت در مخالفت از آن ذوات مقدس (شیخ صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۲۹).
- اعتقاد به تساوی منکر یکی از ائمه علیهم‌السلام با منکر جمیع آن‌ها (شیخ صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۲۹).
- اعتقاد به خلقت جمیع خلائق برای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام (شیخ صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۲۵).
- اعتقاد با اعطای همه فضائل به اهل بیت علیهم‌السلام به جز نبوت (شیخ صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۲۵).
- اعتقاد به شروع و ختم الهی به اهل بیت علیهم‌السلام (شیخ صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۳۰).
- اعتقاد به ائمه دوازده‌گانه: اولین آن‌ها امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه‌السلام، سپس حسن علیه‌السلام، سپس حسین علیه‌السلام، سپس علی بن الحسین علیه‌السلام، سپس محمد بن علی علیه‌السلام، سپس جعفر بن محمد علیه‌السلام، سپس موسی بن جعفر علیه‌السلام، سپس الرضا علی بن موسی علیه‌السلام، سپس محمد بن علی علیه‌السلام، سپس علی علیه‌السلام، سپس الحجة القائم صاحب الزمان علیه‌السلام (شیخ صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۳۰).
- اعتقاد به ائمه علیهم‌السلام به‌عنوان مصداق واقعی «اولو الامر»، «شهداء بر ناس»، «ابواب الله»، «راه به سوی خدا»، «دلیل به سوی خدا»، «گنجینه‌های علم الهی»، «ترجمه‌کننده‌های وحی الهی» و «ارکان توحید الهی» (شیخ صدوق، ۱۴۱۸ق، صص ۳۱-۳۴).
- اعتقاد به عصمت ائمه علیهم‌السلام از خطا و لغزش (شیخ صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۳۴).
- اعتقاد به طهارت الهی ائمه علیهم‌السلام از رجس و پلیدی (شیخ صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۳۴).
- اعتقاد به وجود معجزات و دلایل (نشانه‌های واضح و آشکار دال بر امامت) برای ائمه علیهم‌السلام (شیخ صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۳۵).
- اعتقاد به ائمه علیهم‌السلام به‌عنوان «امان اهل زمین»، «همانند کشتی نوح برای امت»، «باب حطه» (ائمه علیهم‌السلام باب حطه هستند یعنی هر که در مسیر آن‌ها گام بردارد گناهانش ریخته شده و نجات می‌یابد) (شیخ صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۳۶).
- اعتقاد به ائمه علیهم‌السلام به‌عنوان بندگان دارای کرامت خاصه در نزد خدا که که هیچ‌گاه در گفتارشان بر او سبقت نگرفته و اوامر او را اجرا می‌کنند (شیخ صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۳۷).
- اعتقاد به این که حب ائمه علیهم‌السلام، ایمان، بغض آن‌ها کفر، امرشان امر الهی، نهی آن‌ها نهی الهی و اطاعت‌شان اطاعت الهی، معصیت‌شان معصیت الهی، دوست آن‌ها

- دوست خدا و دشمن‌شان دشمن خدا است (شیخ صدوق، ۱۴۱۸ق، صص ۳۷-۳۸).
- اعتقاد به عدم خالی‌بودن زمین از حجت الهی که یا ظاهر مشهور و یا خائف مغمور (ترسان مستور) است (شیخ صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۳۸).
- اعتقاد به «قائم منتظر» فرزند امام حسن عسکری علیه السلام به عنوان حجت خدا در زمین و خلیفه او بر بندگانش در زمان حاضر که رسول الله صلی الله علیه و آله از جانب خداوند به اسم و نسب او خبر داده است و او همان کسی است که زمین را پر از عدل و داد می‌کند همان‌گونه از ظلم و جور پر شده است (شیخ صدوق، ۱۴۱۸ق، صص ۳۹-۴۰).
- اعتقاد به عدم وجود قائمی غیر از قائم منتظر، هر قدر هم که در غیبت بماند؛ زیرا پیامبر به اسم و نسبش تصریح کرده و بشارت داده است (شیخ صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۴۴).
- اعتقاد به هدایت و در طریق مستقیم‌بودن کسانی که معتقد به اعتقادات مذکور هستند؛ اینها برادران دینی ما بوده و نصیحت و خیرخواهی، مواسات، کمک و معاضدتشان واجب است (شیخ صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۴۶).
- اعتقاد به عدم هدایت و گمراهی از طریق مستقیم کسانی که معتقد به اعتقادات مذکور نیستند که تبری از آنها از هر دسته و گروهی که باشند لازم است (شیخ صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۴۸).

۲-۱-۴. ایمان

در منابع فقهی شیعه در بیشتر موارد مقصود از کلید واژه «ایمان» اعتقاد به ولایت امامان معصوم علیهم السلام است و گاهی نیز به معنای اسلام است (جمعی از محققان، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۷۴۹).

برخی گفته‌اند مقصود، معرفت امام معصوم علیه السلام علاوه بر شهادتین و اقامه نماز، روزه، حج و دادن زکات است. بر اساس این معنا، ایمان شریک و مستلزم اسلام است ولی اسلام شریک ایمان نیست (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۶، ص ۵۷).

باتوجه به مطلب فوق، ایمان، زیرمجموعه اعتقادات بوده و از این جهت در زمره مفاهیم اندیشه‌ای فقه قرار می‌گیرد؛ و بی‌شک این معنا از ایمان، موجب تأمین امنیت

خواهد شد. از این عنوان در جاهای مختلف فقه گفتگو شده است که به سبب طولانی شدن گفتگو از آوردن آن‌ها اجتناب شده است.

۲-۱-۵. اعتقاد به قیامت و ملائکه

بحث از قیامت و ملائکه یک مسئله کلامی است اما این که مکلف باید به قیامت و ملائکه اعتقاد داشته باشد یک مسئله فقهی است (جوادی آملی، ۱۳۶۸، ص ۱۴۲).

۲-۱-۶. اعتقاد به ولایت فقیه

اعتقاد به نیابت فقیه جامع الشرایط (امام خمینی، ۱۳۵۶، ص ۲۱).

۲-۲. اعتقادات تهدید کننده امنیت

طرح برخی از مسائل مربوط به اعتقاد به جهت حرمت اعتقاد به آنهاست این موارد عبارتند از:

اعتقاد به غیر خدا

اعتقاد به الوهیت معصوم علیه السلام (جمعی از محققان، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۵۶۵).

اعتقاد به الوهیت علی علیه السلام (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۸۰).

اعتقاد به تأثیر نجوم چه تأثیر استقلالی و چه تأثیر به شرکت، حرام است (شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۱۶۵).

اعتقاد به تحریم روزه ماه رمضان؛ اگر کسی با چنین اعتقادی، روزه خواری کند برای بار اول و دوم تعزیر و بار سوم حکمش قتل است (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۷۸).

اعتقاد به مطابقت رمالی و فال بینی با واقع، که رمالی با چنین اعتقادی، حرام است (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۲۲، ص ۱۰۸).

اعتقاد جزمی قیافه شناس؛ کسی که از طریق ظواهر بدن یک فرد، حالات نفسانی او را کشف کرده و نسب او را از همین طریق اثبات کند اگر به این امر اعتقاد داشته باشد فعل حرامی را مرتکب شده است اما بدون اعتقاد جزمی حرام نیست (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۲۲، ص ۹۲).

۳. اسلام

اسلام یعنی گفتن شهادتین (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۶، ص ۵۷) و در همین حد نیز از مصادیق تأمین‌کننده‌های امنیت است.

۴. یقین

یقین، نوعی علم و نقیض شک است و آن در اصطلاح فقها عبارت است از جزم قلب به وقوع یا عدم وقوع چیزی (جمعی از محققان، ۱۴۰۴، ج ۴۵، ص ۲۸۷). در منابع فقهی به مسئله «یقین» از چند جهت توجه شده است که ذیلاً به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

– یقین به خداوند تعالی در رزق، عمر و نفع و ضرر که از مصادیق معروف است و طبعاً در زمره مباحث امر به معروف و نهی از منکر است (سیستانی، ۱۴۱۷، ص ۳۷۲؛ طباطبایی حکیم، ۱۴۱۵، ص ۲۸۵).

– یقین به اصول دین بر هر مکلفی واجب به وجوب عقلی است و راه تحصیل یقین هم منحصر در استدلال و برهان عقلی نیست بلکه از غیر راه استدلال و برهان عقلی نیز کفایت می‌کند (جمعی از محققان، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۵۳۶).

۵. شک

شک نیز در واقع نوعی درک است و آن عبارت از حالت نفسانی ناشی از تردید بین دو یا چند چیز است. در کلمات فقها دو اطلاق دارد؛ گاهی در برابر یقین، ظن و وهم است و مراد از آن حالت نفسانی ناشی از تردید میان دو یا چند چیز به‌طور مساوی است و گاهی نیز در مقابل یقین به کار می‌رود و مراد از آن اعم از تردید متساوی الطرفین و وهم و ظن است (جمعی از محققان، ۱۳۸۲، ج ۴، ص ۷۰۰).

مسائل مربوط به «شک» در فقه فراوان است که اگر مفهوم امنیت را جامع بنگریم همه آن مسائل به نوعی مرتبط با امنیت خواهد بود؛ لیکن در این مقاله به بعضی از آن‌ها که ارتباط مستقیم با مسئله امنیت دارد اشاره می‌شود:

– شک در حصول یا عدم حصول ارتداد، که مقتضای اصل برائت، عدم حصول

ارتداد است. و فرقی نمی‌کند که این شک برای خود مرتد حاصل شود و یا برای

غیر مرتد (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۰۸).

– شک در صدق نبوت نبی ﷺ. اگر این شک از ناحیه یک مسلمان باشد چنین

فردی محکوم به ارتداد است؛ اما در باره جاری شدن حکم قتل بر او، اختلاف فتوا

است؛ اما اگر شک مزبور از ناحیه کافر باشد، حکم آن قتل نیست. در باره حکم

شیعه‌ای که شک در امامت داشته باشد نیز اختلاف است (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۴۱، ص ۴۴۲).

– شک در بلوغ اسیر. در شرع اسلام، اسیر اگر زن یا طفل باشد به هیچ وجه نباید کشته

شود و در صورت شک در بلوغ اسیر، ملاک، روئیدن مو در شرم‌گاه است که در

این صورت، حکم بر بلوغ اسیر می‌شود (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۱۵۴).

– شک در حدوث فسق امام جمعه. عدالت در امام – اعم از امام جماعت یا جمعه –

شرط اقتدا بر آنها است. اگر کسی امام را عادل بداند اما سپس شک در حدوث

فسق او بکند نباید به شک خود اعتنا کند؛ بنابر این اقتدا بر چنین امامی جایز است

(سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۸، ص ۱۶۸).

– شک در وجود خدا و رسول الله ﷺ. کسی که در وجود خدا و رسولش شک کند

کافر است و مقصود از این شک، آن چیزی است که موجب جحد (انکار) و

زوال اعتقاد شود (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۱۰)

نتیجه‌گیری

ترسیم اطلس مفهومی فقه امنیت علاوه بر فوایدی که برای خود هندسه مفهومی یک

موضوع دارد که در مقدمه بدان اشاره گردید نتایج مهمی نیز دارد که عبارت است از:

یک: عینیت. اطلس مذکور، عینی است نه ذهنی و این ویژگی لازمه هستی‌شناسی‌ها

است که به دلیل شاکله اصلی آن یعنی «کلاس‌ها»، «زیر کلاس‌ها» و «نمونه‌ها» و انطباق

آنها با واقعیت، عملاً اطلسی عینی و مطابق با واقع را از یک حوزه دانشی ارائه می‌دهد.

دو: پویایی. یعنی با ورود مفاهیم جدید در حوزه فقه امنیت، بافت اصلی اطلس

مذکور از میان نمی‌رود و این نیز لازمه هستی‌شناسی‌ها است. ورود کلمه جدید در

آنتولوژی، روابطی را که قبلاً میان مفاهیم برقرار شده بود به هم نمی‌ریزد؛ زیرا روابط پیشین میان مفاهیم، خود حاکی از یک روابط عینی است که آن روابط در شاکله آن حوزه دانشی کماکان باقی است. مفهوم جدید و روابط آن با مفاهیم دیگر، یک رابطه عینی جدید است که جایگاه خود را در نقشه پیدا می‌کند به همین جهت هندسه مذکور، پویا است.

سه: تفصیلی بودن. این ویژگی نیز لازمه آنتولوژی به دلیل استفاده از ماشین (تکنولوژی رایانه) و وب معنایی است؛ بنابراین هر مفهوم مرتبط و لواعلام و شخصیت‌های حقوقی می‌تواند در هندسه مفهومی قرار گیرد؛ برخلاف اصطلاح‌نامه که از این جهت محدودیت دارد.

فهرست منابع

۱. ابن فارس، احمد بن فارس. (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة (ج ۱، ۴، چاپ اول). قم: مكتبة الاعلام الاسلامی.
۲. ابن منظور، محمد بن مكرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب (ج ۱۳، چاپ سوم). بیروت: دار صادر.
۳. امام خمینی، روح الله. (۱۳۵۶). ولایت فقیه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۴. امام خمینی، روح الله. (۱۳۹۰ق). تحریر الوسیله (ج ۱ و ۲، چاپ دوم)، نجف: مكتبة الادب.
۵. امام خمینی، روح الله. (۱۴۱۵ق). كتاب البيع (ج ۲، چاپ پنجم). قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۶. انصاری، محمدعلی. (۱۴۲۹ق). الموسوعة الفقهية المیسرة (ج ۱ و ۴، چاپ دوم). قم: مجمع الفكر الاسلامی.
۷. آشوری، داریوش. (۱۳۸۲). دانشنامه سیاسی. تهران: انتشارات مروارید.
۸. بحرانی، یوسف بن احمد. (۱۴۰۵ق). الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة (ج ۱۸، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۹. بهشتی، ملوک السادات. (۱۳۹۳). طراحی و پیاده سازی علوم پایه براساس مفاهیم و روابط موجود در اصطلاح نامه های مرتبط. پژوهش نامه پردازش و مدیریت اطلاعات، ۳۰(۳)، صص ۶۷۷-۶۹۶.
۱۰. پورسعید، فرزاد. (۱۳۹۲). فرهنگ توصیفی اصطلاحات امنیت (چاپ اول). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۱. جمعی از محققان. (۱۳۸۲). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام (ج ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵، چاپ اول). قم: مؤسسه دایرة المعارف فقه اسلامی.
۱۲. جمعی از محققان. (۱۴۰۴ق). الموسوعة الفقهية (الکویتية) (ج ۳۰ و ۴۵، چاپ دوم) کویت: وزارت الاوقاف والشئون الاسلامیة.

۱۳. جناتی، محمد ابراهیم. (۱۳۷۲). ادوار اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی (چاپ اول). تهران: نشر مؤسسه کیهان.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۶۸). ولایت فقیه (چاپ دوم). تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
۱۵. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۸). تسنیم، تفسیر قرآن کریم (چاپ اول). قم: مرکز نشر اسراء.
۱۶. حسن زاده، حسین. (۱۳۹۷). ضرورت ایجاد آنتولوژی فقه برای مدیریت اطلاعات فقهی در فضای دیجیتال. مجله فقه، ۲۵(۹۶)، صص ۲۸-۵۶.
۱۷. حسن زاده، حسین. (۱۳۹۸). نقش آنتولوژی فقه در موضوع‌شناسی فقهی. نشریه مدیریت دانش اسلامی، ۱(۲)، صص ۵۴-۷۴.
۱۸. حسن زاده، حسین. (۱۴۰۰). آنتولوژی بسمله، دریچه‌ای برای ایجاد هستی‌شناسی معارف قرآن. نشریه پژوهشنامه معارف قرآنی، ش ۴۴، صص ۱۱۱-۱۳۸.
۱۹. حسن زاده، حسین. (۱۴۰۱). هندسه معنایی افترا بر خدا و نقش هستی‌شناسی در ترسیم آن. نشریه پژوهشنامه معارف قرآنی، ش ۵۱، صص ۱۴۱-۱۷۶.
۲۰. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۲). لغت نامه دهخدا (ج ۲، چاپ اول). تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۲۱. سایت اینترنتی. (<https://protege.ir>).
۲۲. سبزواری، عبدالاعلی. (۱۴۱۳ق). مذهب الاحکام (ج ۱، ۲، ۱۶، ۲۱ و ۲۷، چاپ چهارم). قم: مؤسسه المنار.
۲۳. سجادی، سیدجعفر. (۱۳۷۵). اصطلاحات فرهنگ علوم فلسفی و کلامی (چاپ اول). تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۲۴. سیستانی، علی. (۱۴۱۷ق). الفتاوی المیسره (چاپ سوم). بی‌جا: کتابخانه حضرت آیت الله العظمی سیستانی.
۲۵. شریف، عاطفه. (۱۳۸۷). کاربرد هستی‌شناسی در مدیریت دانش. مجله کتابداری و اطلاع‌رسانی، ش ۳، صص ۹۷-۱۱۶.

۲۶. شهید اول، محمد بن مکی. (۱۴۱۷ق). الدروس الشرعیة فی فقه الامامیه (ج ۳، چاپ دوم). قم: انتشارات جامعه مدرسین دفتر انتشارات اسلامی.
۲۷. شهید اول، محمد بن مکی. (۱۴۱۷ق). الدروس الشرعیة فی فقه الامامیه (ج ۳، چاپ دوم). قم: انتشارات جامعه مدرسین دفتر انتشارات اسلامی.
۲۸. شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۳۸۶ق). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (ج ۴، چاپ دوم). قم: نشر داوری.
۲۹. شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۳ق). مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام (ج ۶ و ۱۴، چاپ اول). قم: مؤسسه معارف اسلامی.
۳۰. شیخ انصاری، مرتضی. (۱۴۲۰ق). کتاب المکاسب (چاپ اول). قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۳۱. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (۱۴۱۸ق). الهدایة فی الصول والفروع (چاپ اول). قم: مؤسسه امام هادی علیه السلام.
۳۲. شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۳ق). عدة الاصول (چاپ اول). قم: مؤسسه آل‌البت علیهم السلام. لاجیاء التراث.
۳۳. شیخ مفید، محمد بن محمد نعمان. (۱۴۱۰ق). المقنعة (چاپ دوم). قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین بقم المشرفة.
۳۴. صاحب معالم، حسن بن حسن زین الدین. (۱۴۱۵ق). معالم الدین و ملاذ المجتهدین (چاپ دهم). قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۵. طباطبایی حکیم، سیدمحمدسعید. (۱۴۱۵ق). حواریات فقهیه (چاپ اول). قم: دارالصوة.
۳۶. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن (چاپ دوم). بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۳۷. عاملی، جمال الدین، حسن بن زین الدین. (۱۴۱۸ق). معالم الدین و ملاذ المجتهدین (قسم الفقه) (چاپ اول). بیروت: مؤسسه الفقه للطباعة و النشر.

۳۸. عسکری، حسن بن عبد الله. (۱۴۱۲ق). الفروق اللغویه (چاپ اول). قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة.
۳۹. علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۴ق). تذکرة الفقهاء (ج ۶ و ۹، چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام لاحیاء التراث.
۴۰. علیدوست، ابوالقاسم. (۱۳۹۴). ماهیت و چیستی شناسی فقه امنیت. مجله حکومت اسلامی، ۲۰(۷۸)، ص ۹.
۴۱. فتاحی، رحمت الله؛ ریسماناف، امیر. (۱۳۹۵). بازشناختی از دانش شناسی. تهران: کتابدار.
۴۲. محقق حلی، ابوالقاسم نجم‌الدین. (۱۴۰۳ق). شرایع الاسلام (چاپ دوم). بیروت: دارالاضواء.
۴۳. محقق کرکی، علی بن حسین. (۱۴۰۸ق). جامع المقاصد فی شرح قواعد (ج ۳، چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام لاحیاء التراث.
۴۴. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد. (۱۴۱۲ق). مجمع الفائده والبرهان (ج ۱۳، چاپ اول). قم: نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه دفتر انتشارات اسلامی.
۴۵. نجفی، محمدحسن. (۱۳۶۷). جواهرالکلام (ج ۴، ۶، ۲۱، ۲۲ و ۴۱، چاپ سوم). قم: نشر دارالکتب الاسلامیه.
۴۶. نراقی، احمد بن محمد. (۱۴۱۵ق). مستند الشیعه فی احکام الشریعه (چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام لاحیاء التراث.
۴۷. نظامی، مجید. (۱۴۰۱). نقش واژه‌های نمایه‌ای موضوعی در کشف بسامد مفاهیم امنیتی آثار پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی بین سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۴۰۰. نشریه مدیریت دانش اسلامی، ۴(۸)، صص ۷-۴۸.
۴۸. ویلیامز، پل دی. (۱۳۹۰). درآمدی بر بررسی‌های امنیت (مترجم: علیرضا طیب، چاپ اول). تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

References

1. A group of researchers. (1382 AP). *Fiqh Dictionary according to the religion of Ahl al-Bayt* (Vol. 1, 2, 3, 4 & 5, 1st ed.). Qom: Islamic Jurisprudence Encyclopedia Institute. [In Persian]
2. A group of researchers. (1404 AH). *Al-Mawsua'a al-Fiqiha*. (Al-Kuwaitiya) (Vol. 30 & 45, 2nd ed.) Kuwait: Wizarat Al-Awqaf va al-Shu'oun al-Islamiya. [In Arabic]
3. Alidoost, A. (1394 AP). The nature and essence of security jurisprudence. *Journal of Islamic Government*, 20(78), p. 9. [In Persian]
4. Allameh Heli, H. (1414 AH). *Tadzkirah al-Fuqaha* (Vol. 6 & 9, 1st ed.). Qom: Alulbayt Institute, Le Ihya al-Torath. [In Arabic]
5. Ameli, J. (1418 AH). *Ma'alim al-Din va Malaz al-Mujtahidin (Qism al-Fiqh)* (1st ed.). Beirut: Al-Fiqh Institute for Printing and Publishing. [In Arabic]
6. Ansari, M. A. (1429 AH). *Al-Mawsu'at Al-Fiqhiyyah Al-Muyasara* (Vol. 1, 4, 2nd ed.). Qom: Majma'a al-Fikr al-Islami. [In Arabic]
7. AShuri, D. (1382 AP). *The encyclopedia of Politics*. Tehran: Morvarid Publications. [In Persian]
8. Askari, H. (1412 AH). *Al-Foroq Al-Lughaviya* (1st ed.). Qom: Islamic Publications Office affiliated to Qom Seminary Society of Teachers. [In Arabic]
9. Bahrani, Y. (1405 AH). *Al-Hadaiq al-Nadirah fi Ahakm al-Itrah al-Tahirah* (Vol. 18, 1st ed.). Qom: Islamic publishing office affiliated with the Teachers Community of Qom Seminary. [In Arabic]
10. Beheshti, M. (1393 AP). Designing and implementing basic sciences based on the concepts and relationships found in related thesauruses. *Journal of Information Processing and Management*, 30(3), pp. 677-696. [In Persian]
11. Dehkoda, A. A. (1372 AP). *Dehkoda Dictionary* (Vol. 2, 1st ed.), Tehran: University of Tehran Publishing and Printing Institute. [In Persian]
12. Fatahi, R., & Rismanbaf, A. (1395 AP). *A recognition of Knowledge studies*. Tehran: Ketabdar. [In Persian]

13. Hassanzadeh, H. (1397 AP). The necessity of creating an ontology of jurisprudence to manage jurisprudence information in the digital space. *Journal of Fiqh*, 25(96), pp. 28-56. [In Persian]
14. Hassanzadeh, H. (1398 AP). The role of jurisprudence ontology in jurisprudential Subjectology. *Islamic Knowledge Management*, 1(2), pp. 54-74. [In Persian]
15. Hassanzadeh, H. (1400 AP). Basmele Anthology, a window to create an ontology of Quranic studies, *Journal of Quranic Studies*, 44, pp. 111-138. [In Persian]
16. Hassanzadeh, H. (1401 AP). The semantic geometry of defamation of God and the role of ontology in its drawing. *Journal of Quranic Studies*. No. 51, pp. 141-176. [In Persian]
17. Ibn Faris, A. (1404 AH). *Mujam Maqa'ees al-Lugha* (Vol. 1, 4, 1st ed.). Qom: Maktaba al-A'alam al-Islami. [In Arabic]
18. Ibn Manzoor, M. (1414 AH). *Lisan al-Arab* (Vol. 13, 3rd ed.). Beirut: Dar Sader. [In Arabic]
19. Imam Khomeini, R. (1356 AP). *Wilayat Faqih*. Tehran: Imam Khomeini's Works Editing and Publishing Institute. [In Persian]
20. Imam Khomeini, R. (1390 AH). *Tahrir al-Wasila* (Vol. 1 & 2, 2nd ed.), Najaf: Maktaba al-Adab. [In Arabic]
21. Imam Khomeini, R. (1415 AH). *Kitab al-Bai* (Vol. 2, 5th ed.). Qom: Publications of Qom Seminary, Society of Teachers. [In Arabic]
22. Internet website. From: (<https://protege.ir>).
23. Jannati, M. E. (1372 AP). *Periods of ijihad from the perspective of Islamic denominations* (1st ed.). Tehran: Keihan Institute Publications. [In Persian]
24. Javadi Amoli, A. (1368 AP). *Velayat al-Faqih* (2nd ed.). Tehran: Raja Cultural Publishing Center. [In Persian]
25. Javadi Amoli, A. (1398 AP). *Tasnim, interpretation of the Holy Quran* (1st ed.). Qom: Isra Publishing Center. [In Persian]
26. Moghadas Ardabili, A. (1412 AH). *Majma' Al-Faidah va al-Burhan* (Vol. 13, 1st ed.). Qom: Islamic Publications Office Publications. [In Arabic]

27. Mohaghegh Karaki, A. (1408 AH). *Jami al-Maqasid fi Sharh al-Qawa'id* (Vol. 3, 1st ed.). Qom: Alulbayt Institute, le Ihya al-Torath. [In Arabic]
28. Mohaqeq Heli, A. N. (1403 AH). *Sharaye al-Islam* (2nd ed.). Beirut: Dar al-Azwa. [In Arabic]
29. Najafi, M. H. (1367 AP). *Jawahir al-Kalam* (Vol. 4, 6, 21, 22 & 41, 3rd ed.). Qom: Dar al-Kotob al-Islamiya Publications. [In Persian]
30. Naraghi, A. (1415 AH). *Mustanad al-Shia fi Ahkam al-Shariah* (1st ed.). Qom: Mu'asisah Alulbayt le Ihya al-Torath. [In Arabic]
31. Nezami, M. (1401 AP). The role of thematic index words in discovering the frequency of security concepts in the works of the Research Center for Political Sciences and Thought from from 2017 to 2021. *Islamic Knowledge Management*, 4(8), pp. 48-7. [In Persian]
32. Paul D, W. (1390 AP). *An introduction to security studies* (A. R, Tayeb, Trans., 1st ed.). Tehran: Amir Kabir Publications. [In Persian]
33. Poursaeed, F. (1392 AP). *Descriptive dictionary of security terms* (1st ed.). Tehran: Research Institute of Humanities and Cultural Studies. [In Persian]
34. Sabzevari, A. (1413 AH). *Muhadab Al-Ahkam* (Vol. 1, 2, 16, 21 & 27, 4th ed.). Al Manar Institute, Qom. [In Arabic]
35. Sahib Ma'alim, H. (1415 AH). *Ma'alim al-Din va Malaz al-Mujtahidin* (10th ed.). Qom: Islamic Publications Office of Qom Seminary Society of Teachers. [In Arabic]
36. Sajjadi, S. J. (1375 AP). *Terms of culture of philosophical and theological sciences* (1st ed.). Tehran: Amir Kabir Publications. [In Persian]
37. Shahid Awal, M. (1417 AH). *Al-Dorous al-Sharia fi fiqh al-Imamiya* (Vol. 3, 2nd ed.). Qom: Publications of Teachers' Society, Islamic Publications Office. [In Arabic]
38. Shahid Awal, M. (1417 AH). *Al-Dorous al-Sharia fi fiqh al-Imamiya* (Vol. 3, 2nd ed.). Qom: Publications of Teachers' Society, Islamic Publications Office. [In Arabic]
39. Shahid Thani, Z. (1386 AH). *Al-Rawzah al-Bahiyyah fi Sharh al-Lum'ah al-Damashqiyyah* (Vol. 4, 2nd ed.). Qom: Davari Publications. [In Arabic]

40. Shahid Thani, Z. (1413 AH). *Masalik al-Afham Ila Tanqih Shara'e al-Islam* (Vol. 6 & 14, 1st ed.). Qom: Institute of Islamic Education. [In Arabic]
41. Sharif, A. (1387 AP). Application of ontology in knowledge management. *Library and Information Sciences*, 3, pp. 116-97. [In Persian]
42. Sheikh Ansari, M. (1420 AH). *Kitab al-Makasib* (1st ed.). Qom: Majma'a al-Fikr al-Islami. [In Arabic]
43. Sheikh Mufid, M. (1410 AH). *Al-Muqana* (2nd ed.). Qom: Islamic Publications Office affiliated to Qom Seminary Society of Teachers. [In Arabic]
44. Sheikh Sadouq, M. (1418 AH). *Al-Hidaya fi al-USool va Al-Furoo* (1st ed.). Qom: Imam Hadi Institute. [In Arabic]
45. Sheikh Tusi, M (1403 AH). *Idah al-Usul* (1st ed.). Qom: Alulbayt Institute. Le Ihya al-Torath. [In Arabic]
46. Sistani, A. (1417 AH). *Al-Fatawi al-Muyasara* (3rd ed.). Library of Ayatollah Sistani. [In Arabic]
47. Tabatabaei Hakim, S. (1415 AH). *Hawariat al-Faqih* (1st ed.). Qom: Dar al-Sawt. [In Arabic]
48. Tabatabaei, S. M. H. (1390 AH). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an* (2nd ed.). Beirut: Mu'asisa Al-Alami le al-Matbu'at. [In Arabic]